جلسات شرح و تفسیر

صحیفه سجادیه

حجت الاسلام و المسلمین استاد
محمدجواد حاج علی اکبری

موضوع:

دعـای چهل و دوم (ختم قرآن)
جلسه ۱۶
۱۳۹۶/۰۴/۱۹

فهرست

- تأثیر قرآن بر روح و روان انسان
- ویژگی افرادی که حق قرآن را رعایت می‌کنند
- مؤلفه‌های حق رعایت قرآن

۱. استماع
۲. قرائت
۳. تلاوت
٤. تعلم
٥. ترتیل
٦. تفکر
۷. تدبر
۸. تذکر
۹. عبرت
۱۰. استغاثه
۱۱. تبلیغ

بسم الله الرحمن الرحیم

«اللّهُمّ فَإذْ أَفَدْتَنا الْمَعُونَةَ عَلَى تِلاوَتِه، وَ سَهّلْتَ جَوَاسِيَ أَلْسِنَتَنا بِحُسْنِ عِبارَتِه، فَاجْعَلْنا مِمَّنْ يَرْعاهُ حَقَّ رِعايَتِه، وَ يَدِينُ لَكَ بِاعْتِقادِ التَّسْلِيمِ لِمُحْكَمِ آيَاتِه، وَ يَفْزَعُ إِلَى الْإِقْرارِ بِمُتَشابِهِه، وَ مُوضَحاتِ بَيِّناتِه»

به لطف خدای متعال، در گزارش مضامین چهل و دومین دعای صحیفه‌ی سجادیه به این قطعه رسیدیم.

بعد از مروری بر ویژگی‌ها و صفات قرآن که یک نوع قرآن‌شناسی بود، امام (علیه السلام) در این قطعه‌ی نورانی، بالاترین میزان ارتباط با قرآن را طلب می‌نماید و بیان می‌دارد حال که در تلاوت به من کمک کردی و زبان مرا در مورد الفاظ قرآن، روان ساختی، لطف خودت را در حق من کامل کن و مرا جزء کسانی قرار ده که حق رعایت را در مورد قرآن کریم انجام می‌دهند.

تأثیر قرآن بر روح و روان انسان

در روایت زیبای نبوی که خیلی شیرین است، بیان شده که قرآن کریم با اندیشه، جان و شخصیت ما چه می‌کند. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «**مَثَلُ القُرآنِ و مَثَلُ النّاسِ كمَثَلِ الأرْضِ و الغَيثِ**»؛ مَثَل قرآن و مَثَل مردم، مثل باران برای زمین است. «**بَينَما الأرضُ مَيّتَةٌ هامِدَةٌ**»؛ زمین مُرده است و هیچ رویش و گل و گیاه و سبزه‌ای ندارد. «**إذ أرسَلَ اللّهُ عليها الغَيثَ**»؛ خدای متعال باران را در بهار بر زمین نازل می‌کند. «**فاهتَزّت، ثُمّ يُرسِلُ الوابِلَ فتَهتَزُّ و تَربُو**»؛[۱] وقتی باران نازل می‌شود، این زمین به جنبش و رویش درمی‌آید. البته حضرت اینجا دو مرحله‌ای

توضیح می‌دهند که یک مرحله باران ملایم و نم‌نم نازل می‌شود و زمین به جنبش می‌آید و بعد از آن، باران مفصل‌تر نازل می‌شود که علاوه بر آنکه زمین نفس می‌کشد، «**تَربُو**» یعنی انواع و اقسام رویش‌ها رخ می‌دهد.

قرآن کریم همان آب حیات است که برای شخصیت، قلب، روح، روان، فکر و عقل ما نازل شده است. اگر این زمین در اختیار این باران و نسیم بهاری قرار گیرد، چنین اتفاقی ان‌شاءالله برای ما هم رخ خواهد داد.

در نهج البلاغه نیز درباره‌ی قرآن تعبیر زیبای «**رَبِیعُ الْقُلُوبِ**»[۲] آمده که به معنای بهار دل‌ها است.

ویژگی افرادی که حق قرآن را رعایت می‌کنند

درباره‌ی تعبیر حق رعایت، حضرت اینجا فرمودند حال که توفیق آشنایی و تلاوت قرآن را به ما دادی و زبان ما را در این زمینه روان کردی، نعمت را برای ما تکمیل کن و ما را جزء کسانی قرار ده که حق قرآن را در بهترین سطح ادا و حفظ می‌کنند. رعایت به معنای حفظ است و کسانی که ظاهر، باطن، اسرار، احکام، آداب، شأن، عظمت و حقوق قرآن را حفظ می‌کنند، آن را رعایت می‌کنند.

قرآن کریم از کسانی گله می‌کند و می‌فرماید: اینها حق کتب آسمانی را رعایت نکردند. در نقطه‌ی مقابل امام خطاب به خداوند می‌فرماید: ما را جزء کسانی قرار بده که حق قرآن را، آن‌طور که شایسته است، رعایت می‌کنند.

به نظر من کاملاً قابل تطبیق با «**یَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ**؛[۳] آن را چنان که باید می‌خوانند» است. آنجا خدای متعال کسانی را معرفی می‌کند و رابطه‌ی آنان با قرآن کریم را می‌پسندد. این

همان «**يَرْعَاهُ حَقّ رِعَايَتِهِ**» است.

امام صادق (علیه السلام) در روایت بسیار زیبایی ذیل آیه «**يَتْلُونَهُ حَقّ تِلَاوَتِهِ**» می‌فرمایند: «**يُرَتِّلُونَ آياتِهِ، و يَتَفَهَّمُونَ مَعانِيَهُ، و يَعمَلُونَ بأحكامِهِ، و يَرجُونَ وَعدَهُ، و يَخشَونَ عَذابَهُ، و يَتَمَثَّلُونَ قصَصَهُ، و يَعتَبِرُونَ أمثالَهُ، و يَأتُونَ أوامِرَهُ، و يَجتَنِبُونَ نَواهِيَهُ**؛[٤] آیاتش را روشن و شمرده می‌خوانند، سعی می‌کنند معانی‌اش را بفهمند، احکام و فرامینش را به کار می‌بندد، به وعده‌اش امیدوارند، از عذابش می‌ترسند، از داستان‌هایش سرمشق و از مثل‌هایش پند می‌گیرند، امرهایش را به‌جا می آورند و از نهی‌هایش دوری می‌کنند». تفهّم یعنی اهتمام داشتن برای فهم و اجتهاد برای درک آن معانی. آنجا که قرآن کریم دستوری دارد، اینها به دستورهایش عمل می‌کنند. آنجا که قرآن کریم وعده‌هایی می‌دهد ـ نظیر پاداش و آثار اعمال صالح در دنیا و آخرت ـ به وعده‌هایش امید می‌بندند. کلمه‌ی رجا در هر جا استفاده می‌شود، در درجه‌ی اول به معنای امید صادق است. در نقطه‌ی مقابل، آنجا که قرآن وعید دارد (آیاتی که انسان را می‌ترساند و انذار دارد) از این وعید و عذاب می‌ترسند. آنجا که سراغ قصه‌های قرآن می‌روند و احوال امت‌های قبلی را می‌بینند، این قصه‌ها را با جریان زندگی خودشان کاملاً عینیت می‌دهند. آنچه در قصص قرآن هست، در متن زندگی خود مشاهده و به آن تمثّل می‌کنند. آنجا که قرآن کریم مثال‌هایی می‌زند، از مثال‌های قرآن عبرت می‌گیرند و آن را با شرایط زندگی خود تطبیق می‌دهند.

واژه‌ی مَثَل قرآن، مرا یاد این آیه انداخت: «**مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا**؛[٥] مَثَل

کسانی که [عمل به] تورات بر آنان بار شد [و بدان مکلف گردیدند] آنگاه آن را به کار نبستند، همچون مثل خری است که کتاب‌هایی را بر پشت می‌کشد». این حکایت عالم بی‌عمل است. خدای متعال تعارف نمی‌کند. کسی که قرآن را تلاوت می‌کند، آن را در زندگی خود وارد کند و ببیند کجا رفتارش قرآنی است و کجا نیست. البته این آیه بیشتر به بنده و امثال بنده می‌خورد و باید امثال ما را به فکر ببرد.

خدا آیت‌الله العظمی بهجت را رحمت فرماید. خیلی‌ها می‌آمدند و از ایشان دستورالعمل می‌خواستند. می‌گفتند: بروید و به همان چیزهایی که می‌دانید عمل کنید. مشکل ما از عمل نکردن است.

سپس حضرت به آنچه فرمودند اکتفا نکردند و تفصیل دادند که رعایت حق تلاوت یعنی انجام اوامر و فرامین قرآن و اجتناب از نواهی آن.

بعد حضرت صادق (علیه السلام) حساب همه‌ی ما را می‌رسند و قسم می‌خورند و می‌فرمایند: «والله معنای این حق تلاوت آن نیست که الفاظ را به خاطر بسپارند و سوره‌ها را بخوانند و ترتیب آیات را رعایت کنند و...». حضرت دردمندانه می‌فرمایند: «**حَفِظُوا حُروفَهُ و أضاعُوا حُدودَهُ**»؛[٦] کم نیستند کسانی که حروف قرآن را حفظ کرده‌اند و تجزیه و ترکیب و الحان را مسلط هستند، اما مرزها، خواسته‌ها و آرزوهای قرآن کریم را ضایع کرده‌اند.

شما باید جان و دل و فکر و تمام وجودتان را به قرآن کریم بسپارید تا حق تلاوت ادا شود. «**إنّما هو تَدَبُّرُ آیاتِهِ**؛ [حق تلاوت] به تدبر و تأمل در آیات آن است».

اینها حق تلاوت است؛ حال محاسبه کنیم و ببینیم کجا قرار داریم.

سپس امام (علیه السلام) از سخن خدای متعال در قرآن شاهد می‌آورند و می‌فرمایند: «**یقولُ اللهُ تعالی: کِتابٌ أنْزَلناهُ إلَیکَ مُبارَکٌ لِیَدَّبَّروا آیاتِهِ**؛[۷] خداوند متعال می‌فرماید: کتابی است خجسته که سوی تو فرو فرستادیم، تا در آیات آن تدبر کنند». فکر، دل، جوارح، زندگی، اقتصاد، فرهنگ، تعلیم، تربیت، اخلاق، نظامات، آیین‌ها و معاشرت‌های ایشان پشت سر قرآن قرار می‌گیرد و قرآن می‌شود امام و اینها می‌شوند مأموم.

رعایت حق تلاوت، یعنی متدبر در آیات باشیم. تدبر طبق روایت امام صادق (علیه السلام) یعنی عمل، فکر، رفتار، اخلاق، خانواده، خلوت، جلوت، تمنیات و دعای ما با قرآن هماهنگ شود. اگر چنین شد، حق تلاوت را رعایت کرده‌ایم.

حضرت سیدالساجدین (علیه السلام) این مطلب را در قالب دعا آوردند و فرمودند: خدایا! همان‌طور که به من کمک کردی با قرآن تو انس گرفتم و زبان من به خواندن آیه‌های آن روان شد، مرا جزء کسانی قرار ده که حق قرآن را رعایت می‌کنند.

اما کسانی که حد قرآن را رعایت نمی‌کنند، در آیه‌ی **۲۲** سوره‌ی مبارکه‌ی حدید بیان شده‌اند. شش آیه‌ی اول سوره‌ی مبارکه‌ی حدید، آیاتی هستند که برای اهالی آخر الزمان نازل شده است. در ادامه‌ی این سوره هم مطالب عجیبی در شرح احوال مؤمنین و منافقین و نسبتشان با یکدیگر و مخصوصاً جلوه شخصیتی مؤمن و منافق در قیامت آمده است. به تلاوت این سوره‌ی مبارکه خیلی توصیه شده

و آیات اولیه‌اش مثل آیات پایانی سوره‌ی مبارکه‌ی حشر است.

قرآن از افرادی که حق قرآن را رعایت نمی‌کنند گلایه می‌کند و در جایی دیگر، از کسانی سخن می‌گوید که حق تلاوت قرآن را رعایت می‌کند. گفتیم این رعایت حق تلاوت یعنی رعایت حق کتاب الهی. برای درک معنا سراغ امام صادق (علیه السلام) رفتیم و حضرت برای ما معنا کردند. در پایان هم حضرت امام صادق (علیه السلام) برای ما تطبیقی داشتند که روی مسئله‌ی تدبر بود.

تلاوت قرائت به قصد عمل است. این همان فرمان‌بری و تطبیق و پشت سر قرآن قرار گرفتن است. امام (علیه السلام) این را از خدای متعال می‌خواهد.

در این متن، امام (علیه السلام) از کسانی که حروف قرآن را حفظ کرده و حدود آن را ضایع کردند، گلایه‌ی شدیدی کردند. اینها کسانی هستند که حق قرآن را آن‌گونه که باید رعایت نمی‌کنند و نه درست فهمیده‌اند و نه به وعده‌های آن امید دارند و نه از وعیدهایش می‌ترسند و نه احکام آن را رعایت می‌کنند.

مؤلفه‌های حق رعایت قرآن

حال فهرستی به شما می‌دهم که از مجموعه‌ی آیات و روایات و سیره به دست می‌آید و به ما نشان می‌دهد که در رعایت حق قرآن باید چه کنیم. جلسه‌ی آینده، سیره حضرت رسول و ائمه (علیهم السلام) را درباره‌ی قرآن کریم برایتان خواهم گفت که خیلی شنیدنی و شیرین است و با متن این دعای نورانی هم منطبق است.

مؤمن باید به حقانیت، نورانیت، شأن، جایگاه، رسالت و مأموریت قرآن کریم ایمان داشته باشد و ذیل این ایمان، از ما خواسته‌اند که برنامه‌هایی داشته باشیم.

این برنامه‌ها عبارتند از:

۱. استماع

اولین برنامه، استماع است. خودِ شنیدن قرآن موضوعیت دارد و برنامه هم می‌خواهد. فرصت‌هایی هست که شما با همه‌ی احساس و وجود و گوش خود، خودتان را به قرآن می‌سپارید و آن را از سر دقت و تأمل استماع می‌کنید؛ آن‌هم نه یک شنیدن عادی، بلکه شنیدنی عمیق و همه‌جانبه. خود قرآن چنین می‌فرماید: «**إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا**؛[۸] چون قرآن خوانده شود، گوش بدان فرا دارید و خاموش مانید». شما باید تمام قوای خود را برای چشیدن و فهم کردن به میدان آورید. کلمه‌ی «**انصات**» را در همین دعای ۴۲ داشتیم. گذشت که انصات یک مرحله‌ی وجوبی هم دارد و بزرگان ما از همین آیه‌ی کریمه، وجوب انصات در نماز جماعت هنگام قرائت امام را برداشت کرده‌اند و این آیه از آیات الاحکام است. آنجا هم که می‌گوید بشنوید، برای امام جماعت مستحب می‌شود که صدای خود را مخصوصاً در نمازهای جهری، به مأمومین برساند.

با وجود اینکه قرآن بر خود حضرت رسول نازل شده، حضرت به ابن مسعود می‌فرمودند: «برای من قرآن بخوان». ابن مسعود تعجب کرد، حضرت فرمودند: «**أُحِبُّ أن أَسْمَعَ مِنْ غيري**؛[۹] دوست دارم از غیر خودم بشنوم».

۲. قرائت

برنامه‌ی دوم، قرائت است که ذیل حق رعایت تعریف می‌شود. در سوره‌ی مزمل هم بیان شده است که: «**فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ**؛[۱۰] هر چه از قرآن میسر می‌شود، بخوانید».

خود قرائت قرآن، برای برقراری ارتباط مناسب با قرآن کریم موضوعیت دارد. ما چون تفاوت زبانی داریم، باید قرائت را در دستور کار بگذاریم و برایش برنامه‌ریزی کنیم. توقع این است که مؤمن، قرآن را روان بخواند و اگر نیاز به کلاس و جلسه و تمرین و استاد دارد، دوستان انجام دهند و نگذارند دیر شود. در مورد قرآن کریم، روان‌خوان باشید.

اگر روان هستید که خوش به حالتان و اگر روان نیستید، باید تمرین کنید. باید هر جای قرآن را باز کردند، شما سریع و بدون تکلف وارد شوید و بخوانید. من در هم‌لباسی‌های خودم می‌بینم کسانی را که گرفتار این مسئله هستند.

برای روان‌خوانی باید وقت بگذاریم.

در این بخش، شیطان یقه‌ی ما را می‌گیرد و نمی‌گذارد که قرائت وارد برنامه‌ی زندگی ما شود. با خود بگویید من نیم ساعت یا یک ساعت، متمرکز یا تقسیم‌شده، برای قرائت قرآن وقت می‌گذارم. این‌طور نباشد که اگر شد یا اگر زمان بود یا.... روزی که ما در آن قرآن نخوانده باشیم، روزی سیاه و بی‌برکت است؛ لذا آقا در جلسات خود مکرر می‌گویند که قرآن بخوانید، هرچند در حد یک صفحه باشد.

به گمانم، تلاوت کل مضبوط از حضرت آقا موجود است. کسانی که اهلش هستند یا خودشان عرب هستند، دلشان برای قرائت قرآن آقا تنگ می‌شود.

۳. تلاوت

سومین برنامه، تلاوت است. بخشی از آیات را در دستور قرائت خود قرار دهید و این برنامه‌ی قرائت شما شود. خدای متعال فرموده: «**فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ**؛[۱۱] هر چه از

[قرآن] میسر شد، تلاوت کنید»؛ پس دست شما را باز گذاشته است. بخشی از این قرائت، دستورالعمل فکر و زندگی شما می‌شود، که آن تلاوت است.

برنامه‌ی تلاوت ممکن است در طول روز، یک آیه یا چند آیه باشد. در این صورت جزء «**یَتْلُونَ کِتابَ اللّٰه**» می‌شویم.

٤. تعلم

چهارمین برنامه، درس گرفتن و تعلم است. اگر بخواهیم به آیاتی از قرآن کریم استناد دهیم، آیه‌ی **۷۹** سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران یکی از آن آیات خواهد بود. چنانچه کسی از جنابعالی بپرسد: شما چقدر از قرآن درس گرفته‌اید، چه می‌گویید؟! این غیر از استماع و قرائت و تلاوت است. باید استاد ببینید و معلم انتخاب کنید تا از قرآن درس بگیرید. در مورد دروس دانشگاهی تأسف می‌خورم که چرا درس قرآن ندارند و عمرشان بر باد می‌رود.

۵. ترتیل

پنجمین برنامه، ترتیل است. ترتیل یعنی «**حفظ الوقوف و اداء الحروف**». ما صحیح می‌خوانیم، اما فارسی می‌خوانیم. ترتیل، خواندن زیبای آهنگین و با رعایت حروف و تجوید و وقوف است؛ همان‌گونه که حضرت آقا می‌خوانند. ایشان از اساتید مسلّم این رشته هستند.

هر کسی به لطف خدای متعال، برای خودش نوایی دارد و ممکن است زیباخوانی به شخصی روزی شده باشد و او دیگران را هم بهره‌مند سازد. البته لازم نیست حتماً برای دیگران بخواند، می‌تواند برای خودش نیز بخواند.

٦. تفکر

ششمین برنامه، عبارت از تفکر و تعقل است. خداوند در مورد

قرآن فرموده است: «**إِنَّا أَنزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ**؛[۱۲] ما آن را قرآنی عربی نازل کردیم باشد که بیندیشید». انسان باید ظرفیت فکری، خرد و خزانه‌ی فهم خود را در خدمت قرآن کریم قرار دهد. ممکن است شما قرآن را درس گرفته و از استادی استفاده کرده باشید، این غیر از تعقل است. خود شما چقدر قرآن را فهمیده‌ای؟!

فراموش نکنیم که تلاوت بستر تفکر است. وقتی یک آیه تلاوت می‌شود، ما قصد می‌کنیم که به آن عمل کنیم.

۷. تدبر

هفتمین برنامه، تدبر است. در این مورد از بیان حضرت صادق (علیه السلام) استفاده کردیم و قرآن هم می‌فرماید: «**لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ**؛[۱۳] تا در آیات آن تدبّر کنند».

۸. تذکر

قرآن کریم علاوه بر همه‌ی اینها، از من و شما یک برنامه‌ی تذکر هم می‌خواهد؛ چه اینکه می‌فرماید: «**وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ**؛[۱۴] و خردمندان پند گیرند» و «**وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ**؛[۱۵] و قطعاً قرآن را برای پندآموزی آسان کرده‌ایم. پس آیا پندگیرنده‌ای هست؟».

۹. عبرت

برنامه دیگر عبرت است: «**إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَن يَخْشَىٰ**؛[۱۶] در حقیقت برای هر کس که [از خدا] بترسد، در این [ماجرا] عبرتی است». اینکه عبرت چیست، بعدها برایتان خواهم گفت.

۱۰. استغاثه

برنامه‌ی دهم هم استغاثه و توسل به قرآن کریم است. نمی‌دانم شما تا به حال آن را تجربه کرده‌اید یا نه؟! همین چند شب پیش قرآن‌ها را گرفتیم و باز کردیم و روی سر گذاشتیم...

این خودش یک برنامه است. آیه‌ی مشهور «**وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللهِ جَمِيعًا**؛[۱۷] و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید» به همین موضوع اشاره دارد و مصداق اعظم حبل الله، قرآن کریم است. توسل به قرآن کریم آدابی دارد که بماند برای بعد.

۱۱. تبلیغ

یازدهمین برنامه و وظیفه، ترویج و تبلیغ است: «**الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللهَ**؛[۱۸] همان کسانی که پیام‌های خدا را ابلاغ می‌کنند و از او می‌ترسند و از هیچ‌کس جز خدا بیم ندارند».

هیچ وقت یادم نمی‌رود، زمانی بود که اگر به من می‌گفتند: انتهای آرزوی تو چیست؟ جواب من این بود که آرزویم این است که حلقه‌ای داشته باشم و به جوان‌ها و نوجوان‌ها، قرآن را حتی در حد روخوانی آموزش دهم. این از کارهای اولیه است، اما شوق و شعف فراوانی دارد.

گاهی به حال معلمان حسرت می‌خورم و می‌گویم: چه فرصت‌های بهشتی که خدای متعال در اختیار اینها قرار داده و مجانی از دست می‌رود! مثلاً معلم ریاضی می‌تواند از قرآن بگوید. ارائه‌ی قرآن کریم اتفاقاً کار معلم ریاضی است و این بحث‌هایی است که باید با دوستانمان پیگیری کنیم. ما یک اشتباه بزرگ مرتکب شده‌ایم و در حوزه‌های تعلیم‌مان، گرفتار سکولاریسم آشکار هستیم. جوان ما سر کلاس می‌رود و می‌آید و می‌گوید: ساعت قرآن تمام شد و الان ساعت ریاضیات یا شیمی یا فیزیک است! اگر انسانی مؤمن و الهی باشد، همه‌ی اینها برای او کلاس قرآن است.

غرض اینکه احساس نکنید که ترویج و تعلیم فقط کار حوزه‌ی

علمیه و طلبه‌ها است؛ این شرفی است که هر انسان مؤمنی می‌تواند از آن بهره‌مند شود.

این برنامه‌ها در مورد قرآن کریم باید در برنامه‌ی زندگی ما جاری باشد تا جزء کسانی باشیم که حق قرآن را رعایت می‌کنند.

از خدای تبارک و تعالی می‌خواهیم که دعای چهل و دوم صحیفه را در حق همه‌ی ما مستجاب بفرماید.

منابع و مآخذ

[۱]. متقی هندی، کنز العمّال، حدیث ۲٤٥٧.

[۲]. نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰.

[۳]. بقره: ۱۲۱.

[٤]. وَرّام بن ابی فراس، تنبیه الخواطر، ج۲، ص۲۳٦.

[٥] . جمعه: ٥.

[٦]. وَرّام بن ابی فراس، تنبیه الخواطر، ج۲، ص۲۳٦.

[۷]. ص: ۲۹.

[۸]. اعراف: ۲۰٤.

[۹]. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج۷، ص۷۰.

[۱۰]. مزمل: ۲۰.

[۱۱]. همان.

[۱۲]. یوسف: ۲.

[۱۳]. ص: ۲۹.

[۱٤]. همان.

[۱٥]. قمر: ۱۷ و ۲۲ و ۳۲ و ٤۰.

[۱٦]. نازعات: ۲٦.

[۱۷]. آل عمران: ۱۰۳.

[۱۸]. احزاب: ۳۹.

افـــق ها؛ درنگی بر مسئله تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰

(۶ماه اول سال)

تهران، خیابان سرچشمه

مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر

مجموعه فرهنگی شهدای انقلاب اسلامی